

## خالی کردن جیب به جای استخدام

متأسفانه مدتی است شاهد روش جدیدی از کلاهبرداری از جوانان جویای کار هستیم. این کلاهبرداران، جوانان را فریب می‌دهند که با خواندن چند کتاب و جزوه انگیزشی و دیدن کلیپ‌های استادان مختلف این حوزه‌ها، می‌توانند به درآمدهای دلاری برسند و برای این هدف قرار نیست زحمت زیادی بکشند. در واقع این افراد مدعی هستند که دیگر تنها روش درآمد خوب، درس خواندن نیست و با روش‌های غیرمعمول نیز می‌توان به آن هدف رسید و پولدار شد. این افراد به قدری حرفه‌ای هستند که به راحتی می‌توانند جوانان را فریب دهند و حتی در مواردی هم مشاهده شده که والدین نیز فریب این افراد را خورده‌اند. چندی قبل پرونده‌ای داشتیم که در آن ۱۰۰ نفر فریب این کلاهبرداران را خورده بودند و هرکدام از آنها از ۳۰ میلیون تومان تا ۲۰۰ میلیون تومان به این کلاهبرداران پول داده بودند تا بتوانند بدون هیچ زحمتی، شغل رویایی خود را پیدا کنند تا به درآمدهای زیادی برسند؛



رویداد

تشریح

۲ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم

چهارشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۷۹

## محاكمه دزدان دل‌رحم!

سارقان مسلح که دل‌شان به حال التماس‌های دختر مالباخته سوخته بود، هنگام بازگرداندن اموال سرقتی دستگیر شدند. آنها که فکر می‌کردند با این کار نزد دختر جوان چهره‌ای رایین هودی پیدا می‌کنند، با شکایت او دستگیر شدند و پای میز محاکمه قرار گرفتند. دختر جوان در جلسه دادگاه برای سارقان درخواست اشد مجازات کرد.

تحقیقات این پرونده از آبان سال گذشته و با گزارش سرقت مسلحانه از خانه‌ای در غرب تهران آغاز شد. پس از این تماس تیمی از مأموران راهی محل شدند. دختر صاحبخانه در تشریح ماجرا به مأموران گفت: به تنهایی زندگی می‌کنم و قرار بود به خانه دیگری اسباب‌کشی کنم. برای همین با کمک دوستانم مریم در حال جمع‌کردن اثاثیه بودیم که ناگهان دو مرد مسلح وارد خانه شدند و با تهدید اسلحه از ما خواستند ساکت باشیم و مقاومت نکنیم. آنها پول، طلا و تلفن همراه ما را سرقت کردند. حتی ماشینم را از پارکینگ برداشتند و با خود بردند. هنگامی که می‌خواستند از خانه بیرون بروند، به آنها التماس کردم که این اموال را با سختی خریدم و یکی از آنها قول داد وسایل سرقتی را بازگرداند. پس از این شکایت مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند. چهار روز از ماجرا گذشته بود که شاکی با مأموران تماس گرفت و گفت: یکی از دزدان تماس گرفت و از من خواست برای گرفتن ماشین و اموال سرقتی به میدان منبریه بروم.

مأموران با آموزش به این دختر از او خواستند در محل قرار حاضر شود. چند دقیقه بعد از حضور دختر جوان در میدان منبریه دو سارق با ماشین سرقتی کنارش توقف کردند که در این لحظه مأموران وارد عمل شدند و آنها را دستگیر کردند. دو متهم در جریان تحقیقات به این سرقت اعتراف کردند و پرونده آنها با صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در ابتدای جلسه دادگاه، شاکی برای دو متهم اشد مجازات را درخواست کرد.

سپس یکی از متهمان به نام ناصر در جایگاه ایستاد و گفت: نامزدم به نام شیمیا مدتی در خانه شاکی کار می‌کرد. او به من خبر داد که دختر جوان در خانه‌اش پول و طلای زیادی دارد. با شنیدن این حرف‌ها وسوسه شدم و به فکر سرقت افتادم. روز سرقت شیمیا با من تماس گرفت و خبر داد دختر جوان قصد اسباب‌کشی دارد. موضوع را به دوستانم گفتم و راهی آنجا شدیم. وقتی قصد خروج از خانه را داشتیم، مالباخته به دوستانم التماس کرد و او دلش سوخت. وقتی دستگیر شدیم، شیمیا هم فرار کرد و پلیس نتوانست ردی از او پیدا کند. متهم دیگر هم در دفاعیاتش اظهار کرد: به دلیل مشکلات اقتصادی مرتکب این سرقت شدیم، اما دلم برای التماس‌های دختر جوان سوخت و موقع تحویل اموال دستگیر شدیم.

پس از دفاعیات متهمان، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

گفت‌وگو با موبایل‌قاپ حرفه‌ای

## موبایل‌قاپی

## در مرکز شهر راحت‌تر است

است.

۱ به عنوان گوشی‌قاپ یک توصیه به مردم بکن.

بیشتر مردم گوشی را در خیابان از قسمت پایین آن می‌گیرند. بهتر است گوشی را در خیابان و اماکن شلوغ از قسمت بالا و چهار انگشتی بگیرید. هیچ وقت لب خیابان یا کنار پیاده‌رو ننشینید فیلم و اینستاگرام نگاه کنید که در کسری از ثانیه گوشی را می‌برند و داغش به دل‌تان می‌ماند. وقتی در خیابان با تلفن صحبت می‌کنید، حتماً با هندزفری باشد و اگر ندارید گوشی را از قسمت بالا محکم بگیرید و گوشی اگر سمت دیوار باشد سرقتش سخت‌تر است.

۲ کدام مناطق بیشتر سرقت می‌کند؟

مرکز و جنوب غرب تهران. هیچ جا برای سرقت مرکز شهر نمی‌شود.

۳ چرا؟

به دلیل وجود مرکز اداری تردد در آنجا زیاد است و هرجا تردد زیاد باشد، پیدا کردن سوزنه هم راحت‌تر است.

۴ خب بازار که شلوغ‌تر است؟

نکته مهم همین جاست. بازار با این‌که شلوغ است اما راه فرار ندارد. در آنجا بعد از سرقت احتمال دستگیری‌ات بالاست. البته پراز موتورسوار است که می‌توانند نقش پلیس را بازی کنند و تو را بگیرند اما مرکز شهر، کوچه پس‌کوچه و راه فرار زیاد دارد.

را شکار می‌کردیم. من چون ورزیده‌تر بودم از موتور پیاده می‌شدم و با قاپیدن گوشی فرار می‌کردم و چند متر جلوتر سوار موتور می‌شدم و می‌رفتیم.

۵ سوزنه‌ها را چگونه شکار می‌کردید؟

با پرسه‌زنی در خیابان هرکه حواسش در گوشی بود و نمی‌دانست دور و برش چه می‌گذرد را شناسایی و گوشی‌اش را سرقت می‌کردیم. چون مالباخته حواسش به پیام بازی، صحبت با آن‌سوی خط یا دیدن اینستاگرام هست، شوک می‌شود و نمی‌تواند واکنش نشان دهد و ما فرار می‌کردیم.

۶ سرقت هر گوشی چقدر زمان می‌برد؟

۳۰ ثانیه‌ای انجام می‌شود. خیلی زمان‌بر نیست.

۷ چند سرقت انجام دادی؟

فکر می‌کنم بین ۳۰ تا ۴۰ سرقت که مأموران شناسایی‌مان کردند و دستگیر شدیم.

۸ هرگوشی را چقدر می‌فروختی؟

بستگی به مدلش داشت. بین سه تا هشت میلیون به مالخر می‌فروختیم و پولش را نقد می‌گرفتیم تا ردی از ما نماند. البته الان خود مالخرها هم فقط خرید نقدی دارند تا اگر دزد دستگیر شد و روی آنها اعتراف کرد بتوانند انکار کنند.

۹ با پولش چه کردید؟

پول دزدی برکت ندارد، جوری خرج می‌شود که نمی‌فهمی چه زمانی پولت تمام شده

رضا یکی از موبایل‌قاپ

مجید غمخور

گروه تپش

سابقه‌دار تهران است که

آخرین بار بعد از آزادی

از زندان دوباره با دوستش، موبایل‌قاپی در مرکز

تهران را آغاز کردند که با طرح شکایت‌ها از

سوی مالباختگان، مأموران آنها را دو هفته قبل

دستگیر کردند. در ادامه گفت‌وگوی تپش با این

سارق را می‌خوانید.

۱ خود را معرفی کن؟

رضا ۳۸ ساله هستم.

۲ سابقه داری؟

بله. پنج سابقه موبایل و کیف‌قاپی دارم. اولین بار در ۲۳ سالگی دستگیر شدم. در این ۱۵ سال یک پایم در زندان است و پای دیگر بیرون.

۳ چند سال حبس کشیدی؟

حسابش از دستم در رفته است. زندان تهران بزرگ و رجایی شهر بودم.

۴ چرا دست از سرقت نمی‌کشی؟

چه کار کنم؟ با رویای یک شبه پولدار شدن دزد شدم و آواره زندان و خیابان، حتی دیگر خانواده‌ام مرا نمی‌خواهند و طرد شده‌ام.

۵ همسر داری؟

خیر. چه کسی حاضر است همسر یک دزد شود و مهم‌تر کدام پدر و مادری حاضر است دامادش دزد باشد.

۶ از نحوه سرقت‌هایت بگو؟

با همدستم که در زندان هم خرج بودیم، دو نفری سوار موتور پرسه می‌زدیم و سوزنه‌ها